

سوء تفاهم

علی یار زارعی

هاج وواج مانده بود. باورش نمی شد که به جای دیگری منتقل شده. علت انتقال را نمی‌دانست و این بیشتر عذابش می‌داد. عرق سردی روی پیشانی‌اش نشسته بود. بدنش سست و بی‌حال بود و احساس خستگی می کرد. انگار بار سنگینی روی دوشش گذاشته بودند. انگار مدتی طولانی راه رفته بود و از خستگی، توانی برایش نمانده بود. همان جا که نشسته بود به صندلی تکیه داد. خلوتی اتاق و سکوتی که به در و دیوار پنجه می کشید به او فرصتی داد برای فکر کردن به گذشته. در لابلای لایه‌های ذهنش خاطره‌های فراموش شده را جستجو کرد. خاطره‌های محو شده در غبار زمان. چهره ی یک مرد در خاطرش نقش بست. مردی که همیشه از او تصور دیگری داشت. مردی به نام قیصری . این را پیش‌تر از این، خیلی پیش‌تر به همسرش هم گفته بود. روزی که پریشان خاطر و آشفته بود، سرحالی و شادایی گذشته را داشت همسرش پرسیده بود:

«- چی شده منصور ناراحتی؟»

و او که نمی‌خواست چیزی بگوید لبخندی به لب آورده و گفته بود:

«- چیزی نیست.»

اما همسرش می‌دانست که از چیزی رنج می‌برد و ناگفته‌ای دارد که او می‌خواست بداند، گفته بود:

«- نه چیزی هست. اگر چیزی نیست چرا درهم و گرفته ای؟ »

همسرش ماهوش و کنجکاو بود و نمی‌شد چیزی را از او پنهان کرد. گفته بود:

«- مسایلی مربوط به محیط کاره.»

همسرش لبخند به لب گفته بود: «-من رفتم توی فکر. گفتم شاید کاری کردم که از من ناراحتی.»

و او گفته بود:

«- من وقتی میام خونه و با تو حرف می‌زنم آرامش پیدا می‌کنم.»

و همسرش گفته بود:

«-خب پس بگو چی شده، هر اتفاقی افتاده بگو.»

و او گفته بود:

«- یک نفر توی اداره هست به نام قیصری که خیلی با پی کارم میشه، مرتب ایراد می‌گیره، بهانه می‌گیره انگار دنبال دردمر می‌گرده ریسم نیست ولی پستش از من بالا تره.»

درباره قیصری با دوستش عطا هم حرف زده بود. عطا پرسیده بود:

«- چی شده منصور؟ چندروزه ناراحتی، مشکلی پیش اومده؟»

و او گفته بود:

«- قیصری خیلی اذیت می‌کنه، بهانه می‌گیره، ایراد می‌گیره.»

و عطا گفته بود:

«-هدفش از این کارها چیه؟.»

و او گفته بود:

«- درست نمی‌دونم ولی شاید فکر می‌کنه من قصد دارم پستش را ازش بگیرم .»

عطا گفته بود:

«- آخه چرا باید چنین فکری بکنه؟.»

و او گفته بود:

«-خودتم می‌دونسی که من آدم مرتب و منظمی‌ام کارم رو بی‌عیب و نقص انجام میدم. زود میام اداره، دیر هم میرم. در حالی که قیصری این طور نیست. این چیزها هم از چشم روسای بالاتر پنهان نمی‌مونه »

عطا گفته بود:

«-تو فکر می‌کنی واقعا بی‌عیبی؟ کارت نقص نداره؟ آدم مرتب و منظمی هستی؟»

حرف‌های دلسوزانه‌ی عطا بد طوری در روح و روانش اثر گذاشته بود.

روزی که قیصری از کارش ایراد گرفت و یکی، یکی نقاط ضعفش را گف. به نظرش آمد که همه‌ی آن‌ها را از زبان عطا شنیده

در دلش شک افتاد آیا عطا این‌ها را به فیصری گفته؟

عطا که با او اظهار دوستی می‌کند. مگر ممکن است دوستی به دوستش پشت پا بزند؟ عطا دیگر در نظر او یک دوست صمیمی نبود. او سال‌ها دوستی و صمیمیت را ندیده گرفته بود. شاید مصلحت کارش چنین بود. شاید او هم در پی پست و مقامی بالاتر بود.

از آن روز هر وقت عطا را می‌دید مانند دیگران بی اعتنا تنها با گفتن سلامی از کنارش می‌گذشت. او حتی یک بار درباره‌ی تفکراتش، درباره‌ی آن‌چه ذهنش را مشغول کرده بود، با عطا حرفی نزد. اگر پیش از این با کسی درباره مشکلی یا موضوعی مشورت می‌کرد حالا سعی می‌کرد مشکلاتش را خودش رفع کند و کسی را محرم رازش نمی‌دانست. از همه کناره گرفته بود، از حرف‌های دیگران صدها نکته بیرون می‌آورد و آن‌ها را به خودش نسبت می‌داد. هر ضرب‌المثلی را از زبان دیگران طعنه و کنایه‌ای به خود می‌دانست. نسبت به کارش بی‌علاقه شده بود. با دلگرمی کارهایش را انجام نمی‌داد. همه‌ی این مسایلی باعث شد تا روسایش و مسوولان بالاتر او را به جایی دیگر منتقل کنند.

حالا او مانده بود و برگ کاغذی که حکم انتقالش بود. بی‌اختیار از جا بلند شد و پاهایش به طرف اتاق آقای معصومی

پرسش‌های ناگفته را دید.

با لحنی آرام و مهربان گفت: «-تو اسیر خیال‌های بی‌پایه و اساس شدی، اسیر سوءتفاهم‌های بی‌جا شدی. نسبت به همه بدبینی خاصی پیدا کردی. به همه مشکوک بودی حتی به دوست قدیمی و چندین ساله‌ی خودت. عطا همه چیز را به من گفت، دیگران هم گفتند. کسی با تو دشمن نبود. دشمن تو خودت بودی، شاید با رفتن به جایی دیگر تغییری در رفتارت پیدا شود.»حرف‌های معصومی که تمام شد سکوتی سنگین به در و دیوار سایه انداخت. دیگر حرفی برای گفتن نبود، از جا بلند شد و از در اتاق بیرون رفت.

فیلم بازی

اشک‌ها و لبخندها



آوای موسیقی (که در ایران با عنوان اشک‌ها و لبخندها شناخته شده‌است) فیلم موزیکال سال ۱۹۶۵ به کارگردانی رابرت وایز و با بازی جولیا اندروز و کریستوفر پلامر است. ترانه‌های این فیلم را راجرز وهامرستاین، زوج آهنگساز آمریکایی ساخته‌اند و فیلمبرداری آن در والتسبورگ اتریش و باواریا در آلمان غربی و همچنین در استودیوی آکس قرن بیستم در کالیفرنیا انجام شده‌است. فیلم در تاریخ ۲ مارس ۱۹۶۵ در آمریکا منتشر شد. با توجه

به محدودیت‌هایی که در اکران وجود داشت این فیلم توانست با موفقیت بزرگی در گیشه مواجه شود و به عنوان پرفروشترین فیلم تاریخ در زمان خود دست یافت و تا پنج سال این مقام را حفظ کرد. این فیلم به شدت پرفرمدار بود و توانست رکورد باکس آفیس را در ۲۹ کشور بشکند.

همچنین این فیلم توانست پنج جایزه اسکار را نیز از آن خود کند. در سال ۱۹۹۸ نیز بنیاد سینمای آمریکا این فیلم را به عنوان چهارمین فیلم برتر موزیکال تاریخ انتخاب کرد. بخش بزرگی از داستان و فیلم‌نامه برگرفته از وقایع حقیقی هستند که در سال ۱۹۳۸ میلادی در شهر والتسبورگ اتریش اتفاق افتاده‌اند. ماریا دختر جوانی که در صومعه زندگی می‌کند و داوطلب راهبه شدن است، عاشق رقص و آواز است. راهبه مسؤل او وی را برای سرپرستی فرزندان کاپیتان بیوه «فون تراب» انتخاب کرده و او را به منزل ایشان می‌فرستد.

طرح روز

عبدالمجید غیبی



در مقابل اینستاگرام صیانت شدید!

پیشنهاد

جواد لگزیان

بینگو صحنه‌هایی از پول و مرگ

در این نمایشنامه،شکسپیر در تام تعدادی عمده مالک قرار می‌گیرد که می‌خواهند به نوعی دست به اصلاحات ارضی بزنند و این موضوع بر در آمدی که شکسپیر از اجاره بهای زمین‌های خود دریافت می‌کند تاثیر گذار است. شکسپیر دو راه پیش رو دارد؛ اینکه با عمده مالکان توافق کند یا با آنها مخالفت کند و به فقرا کمک کند… اوارد باند، از جمله نمایشنامه نویسانی است که با بازنویسی متون گذشته و اسطوره زدایی از تاریخ، گستره جدیدی را در تئاتر بریتانیا رقم زده است. وی را شاید بتوان یکی از تکمیل کنندگان همان سنت تئاتر حماسی دانست که برشت طلایه دار آن بود. تئاتر باند به صحنه بردن انسانی است که تغییرپذیری او در ارتباط با شرایط تعریف می‌شود. باند تئاتر را جدی ترین میعادگاه عمومی بحث در مورد مسائل فرهنگی می‌شناسد. باند پیرو همان سنت ادبیات رئالیستی قرن نوزدهم است اما با این تفاوت که واقع گرایي او در امتداد رئالیسم دیالکتیک برشت-لواچ حرکت می‌کند. رئالیسم باند، رئالیسمی خرده بیان و مخالف رئالیسم کلاسیک است زیرا او معتقد است رئالیسم کلاسیک، اصولی را که بر آن مبتنی است کتمان می‌کند و مانع بازنمود تناقضات عریان می‌شود. و همین امر مانع اصلاحات اساسی است. باند با این باور که آگاهی ذهن هر انسان، آگاهی ذهن یک طبقه اجتماع است، تعارضات و تعاملات بین شخصیت‌ها را برخاسته از تناقضات موجود در جامعه‌ای می‌داند که بر مبنای فاصله طبقاتی استوار است. تئاتر باند ورای مسائل روان شناختی، بیننده را از حقایق سیاسی پنهان در روابط اجتماعی آگاه می‌سازد. «بینگو، صحنه‌هایی از پول و مرگ «نمایشنامه ای است از انوارد باند که به تازگی با ترجمه بابک اشرف خانی در نشر اختران در ۱۰۹ صفحه و به قیمت ۹۰۰۰ تومان منتشر شده است.

پژوهش چگونه باید سامان یابد؟

دانالد گیلیس، استاد بازنشستهٔ دپارتمان مطالعات علم و فناوری کالج دانشگاهی لندن متخصص فلسفه و تاریخ علم و ریاضیات است، و پیش‌تر دو کتاب «فلسفهٔ علم در قرن بیستم» و «نظریه‌های‌های فلسفی احتمال» او در ایران منتشر شده است. گیلیس در کتاب «پژوهش چگونه باید سامان یابد؟»، بر اساس دانش خود، با مسئلهٔ بزرگی دست وپنجه نرم کرده است: پژوهش در یک جامعه چگونه باید سازماندهی شود تا کیفیت مطلوب حاصل آید؟ او در کتاب حاضر، برای مواجهه با این مسئله، دو تجربهٔ بریتانیایی را تبیین و نقد میکند و نهایتاً خود سامانه ای را به‌عنوان بدیل پیش روی می‌نهد آن هم با نگاه به پژوهشهای موفق چون کشف نسبیت انیشتین ، کشف پنی سیلین توسط فلمینگ و پایه گذاری منطق ریاضی توسط فرگه.این کتاب ممکن است چهار گروه مخاطب را به خود جلب کند: نخست، آن دسته از دانشجویان و پژوهشگران حوزه فلسفهٔ علم که مشتاقند مواجههٔ یک فیلسوف علم را با یک مسئلهٔ جدی مدیریتی و سیاستی تجربه کنند. دوم، آن دسته از دانشجویان و پژوهشگران حوزهٔ مدیریت و سیاستگذاری علم که مشتاقند درک عمیقتری از الگوها، رویکردها و راهبردهای مطرح در رشتهٔ خود، دست‌کم در مسئلهٔ طرح شده در کتاب، بیابند. سوم، آن دسته از مسئولان و مدیران که علاقه مندند بر اساس حکمت و بهره مندی از ایده و تجربهٔ اهل تجربه و اندیشه، برای دانشگاهها، پژوهشگاهها و اعضای هیئت علمی کشور، سیاستگذاری و برنامه ریزی کنند. چهارم، آن دسته از اعضای علمی که نسبت به الگوهای جاافتاده برای ساماندهی و ارزیابی فعالیت پژوهشی در کشور نقد دارند و به‌دنبال بدیل‌های جایگزین می‌گردند. «پژوهش چگونه باید سامان یابد «کتابی است از دونالد گیلیس با ترجمه‌ی مصطفی تقوی و زهره کریم میان که در ۱۹۲ صفحه و توسط انتشارات اختران در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است.

دانستنی‌ها

تاثیر رژیم غذایی بر طول عمر چیست؟



محققان دانشگاه «شفیلد» در مطالعه خود به بررسی چگونگی تاثیر رژیم‌های غذایی بر طول عمر افراد پرداخته‌اند. به گزارش مذایکال اکسپرس، تحقیقات جدید محققان دانشگاه «شفیلد» نشان می‌دهد که تغییر به یک رژیم غذایی غنی پس از گرفتن یک رژیم غذایی محدود می‌تواند امید به زندگی را کاهش داده و تأثیرات منفی بر سلامتی بگذارد. مدت‌ها است تصور بر این است که محدود کردن مصرف سواد غذایی می‌تواند طول عمر را افزایش دهد، اما محققان اکنون بهنش جدیدی از این موضوع ارائه داده‌اند و همچنین اینکه رژیم‌های غذایی چگونسه می‌توانند از نظر کند کردن روند پیری و بروز بیماری‌های وابسته به سن به انسان سود برسانند.

متخصصان استیتوی «Healthy Lifespan» در دانشگاه شفیلد(Sheffield) و دانشگاه براون(Brown) در ایالات متحده آمریکا نظریه تکاملی موجود را مبنی بر اینکه محدود کردن رژیم غذایی(کاهش مصرف یک یا چندین ماده مغذی بدون ایجاد سوء تغذیه) باعث طول عمر در انسان و حیوان می‌شود، آزمایش کردند. این نظریه نشان می‌دهد که دلیل این امر این است که انسان‌ها و حیوانات در زمان کمبود مواد غذایی روی حفظ و ترمیم بدن سرمایه‌گذاری می‌کنند تا زمانی که دوباره دسترسی به مواد غذایی افزایش می‌یابد، منتظر بمانند. با این حال، یافته‌های جدید مطالعه حاضر، این نظریه را به چالش کشیده است. مگس‌های میوه که از رژیم غذایی محدودی تغذیه می‌کردند، پس از آنکه به رژیم غذایی غنی بازگشتند، خطر مرگ بیشتری را تجربه کردند و در مقایسه با مگس‌هایی که کل زندگی خود را صرف یک رژیم غنی می‌کردند، تخم‌های کمتری گذاشتند. این نشان می‌دهد که به جای انتظار برای افزایش مواد مغذی در آینده، رژیم غذایی محدود به کشته شدن آنها منجر شد. محققان می‌گویند به جای اینکه محدودیت در رژیم غذایی، مکانیسم‌های بازیابی و نگهداری را افزایش دهد، در واقع می‌تواند فرار از اثرات مضر رژیم غذایی غنی باشد. این تعبیر جدید می‌تواند به ما کمک کند تا بفهمیم که چرا و چگونه رژیم غذایی می‌تواند چنین تأثیرات عمیقی بر سلامتی داشته باشد.

مردم‌سالاری

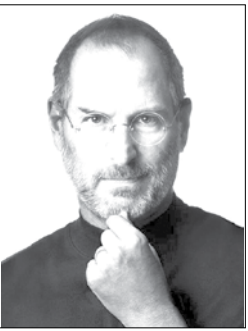
روزنامه اجتماع - **سیاسی** - **فرهنگ** و **اقتصادی**

صاحب امتیاز: حزب مردم سالاری
مدیرمسئول:مصطفی کواکبیان
نشانی:اینترنتی: www.mardomsalari.net
نشانی تلگرام: mardomsalari
نشانی اینستاگرام:1: mardomsalari
آدرس‌تعمیریه: اتوبان شیخ‌فضل‌الله نوری شمال به جنوب
خروجی خیابان سامان آب ۱ - خیابان حاجی‌پور امیر - کوچه چهارده - پلاک ۱
تلفن: ۲۹-۸۸۲۸۲۴۴
فکس: ۸۸۲۳۲۰۹۴
رته روزانه:۳
چاپ: نشر ریحان - تلفن: ۶۵۶۰۷۹۱۷

اتان صبح: ۵/۱۸ طلوع آفتاب: ۶/۴۳
اتان ظهر: ۱۳/۱۸
اتان مغرب: ۱۸/۱۱
پنجشنبه ۵ اسفند ۱۴۰۰ - ۲۲ رجب ۱۴۴۴ - ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ - شماره ۵۶۳

چهره‌ها

استیو جابز ؛ نابغه فناوری



استیون جابز، معروف به استیو جابز یکی از بنیانگذاران اصلی و مدیرعاملان شرکت فن آوری اپل بوده است. وی در ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ در شهر سان‌فرانسیسکو ایالت کالیفرنسیای آمریکا به دنیا آمد. سپس پائول و کلارا جابز وی را به فرزندی

قبول کردند. پائول یک مکانیک بود. اولین تجربه استیو جابز در زمینه فن آوری در پارکینگ یکی از همسایه‌های خانه پدریش شروع شد. همسایه خانواده جابز در شرکت الکترونیک هیولت پاکرد کار می‌کرد و استیو از نوجوانی به کار با قطعات الکترونیکی علاقه‌مند شد. سپس در یک کلوب طرفداران شرکت HP ثبت نام کرد و در آنجا با جدیدترین ابداعات صنعت الکترونیک و کامپیوتر آشنا شد. استیو ۱۲ ساله در همان کلوب تجربه کار با اولین کامپیوتر را کسب کرد. در تمام طول دبیرستان استیو در نشست‌ها و سخنرانی‌های عمومی شرکت HP حضور داشت و حتی یک بار در بین سخنرانی ویلیام هیولت؛ بنیانگذار شرکت HP در بین جمع از او خواست تا چند قطعه الکترونیکی برای ساخت یک پروژه درسی را در اختیارش گذارد. ویلیام هیولت که از درخواست جابز جوان متعجب شده‌بود قطعات مورد نیاز را در اختیارش گذاشت و او را برای دوره آموزشی به شرکت HP دعوت کرد. جابز در ۱۹۷۵ به عضویت گروهی به نام کلوب کامپیوترهای خانگی درآمد و در همانجا با استیو وزنیاک آشنا شد. این دو بعداً شرکت اپل را راهاندازی کردند.

در آن زمان استیو وزنیاک در حال کار برروی یک کامپیوتر کوچک بود.

جابز که به پتانسیل‌های بازاریابی کامپیوتر ساخت وزنیاک پی برد-مسود با او وارد کار شد. در ۱۹۷۶ جابز و وزنیاک شرکت اپل را با نام Apple Computer Company راه‌اندازی کردند. جابز می‌گوید نام اپل (سیب) را به این جهت انتخاب کرده که یک تابستان برای کار به چیدن سیب در یک مزرعه مشغول بود. در اوایل کار جابز و وزنیاک از فروش مایکروپس و ماشین حساب ساخت خود هزار و ۳۰۰ دلار سود بردند. کار اصلی آن‌ها در آن زمان فروش بوردهای مدار و کار برروی ساخت یک کامپیوتر شخصی بود.

بعد از مدت کوتاهی در بازار کامپیوتر و الکترونیک، جابز به این نتیجه رسید که خلاء وسیعی در بازار کامپیوتر وجود دارد.

در آن زمان تمام کامپیوترها مینفریم (Mainframe) بودند ولی پیشرفت‌های صنعت الکترونیک، در حال متحول کردن ساخت کامپیوترهای شخصی بود. جابز و وزنیاک کامپیوتر پیشینی که به نام Apple I فروخته بودند را دوباره طراحی کردند و با ایجاد تغییراتی آن را با نام Apple II در سال ۱۹۷۷ به بازار عرضه کردند و تنها در یک سال ۲.۷ میلیون دلار از فروش این کامپیوتر درآمد کسب کردند.

تنها در سه سال فروش شرکت آنها به ۲۰۰ میلیون دلار رسید. بسیاری از تحلیل‌گران رشد شرکت اپل را یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های رشد شرکت‌های تولیدی در تاریخ آمریکا می‌دانند. جابز در سال ۱۹۸۶ یک گروه گرافیکی را از بخش گرافیک کامپیوتر لوکاس فیلم خرید. پس از خرید این بخش، شرکت پیکسار متولد شد که نام آن از ترکیب پیکسر و رادار موفق‌ی بسازد. در سال ۲۰۰۶ شرکت والت دیزنی، پیکسار را خرید. پس از این معامله جابز به سهام‌دار اصلی والت دیزنی تبدیل شد و به عضویت هیئت مدیره آن درآمد.

در اکتبر ۲۰۰۳ سرطان لوزالمعده جابز تشخیص داده شد و در اوت ۲۰۱۱، او از ستمت مدیرعاملی اپل استعفا داد. تیم کوک، از مدیران ارشد اپل، مدیرعامل شد و جابز به‌عنوان رئیس هیئت مدیره به فعالیت‌هایش ادامه داد. استیو جابز در نهایت بر اثر عوارض ناشی از سرطان لوزالمعده، در تاریخ چهارشنبه ۵ اکتبر ۲۰۱۱ در سن ۵۶ سالگی درگذشت.

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری گرمدره در نظر دارد نسبت به اجرای پروژه با مشخصات ذیل از طریق پیمانکاران واجد صلاحیت اقدام نماید:

ردیف	نوع و میزان خدمات یا کالا	میزان اعتبار	تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	گواهینامه صلاحیت	مدت
۱	مناقصه عمومی یک مرحله‌ای، مناسب‌سازی معابر جهت تسهیل در تردد معلولین جسمی - حرکتی	۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰	گزید ۵ راه یا انبیه ۲ ماه	
۲	مناقصه عمومی یک مرحله‌ای، جدولگذاری واحداث کانال سروشیده	۲۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	گزید ۵ راه و باند ۳ ماه	

- مهلت و قبول و محل پیشنهادات (اسناد مناقصه): متقاضیان پیشنهاد می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی (۱۴۰۰/۱۲/۰۵) تا تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۹ **ساعت ۱۲** جهت دریافت اسناد مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیک دولت(ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** مراجعه نمایند.

-متقاضیان پیشنهاد(مناقصه گر) می‌بایست سپرده مذکور را به صورت ضمانتنامه بانکی یا فیش واریزی به حساب جاری شماره **۴۶۱۵۰۴۳۰۹۳۷۶۰۲۵۰۰۲** به نام شهرداری گرمدره نزد بانک سپه (انصار سابق) شعبه شهید غفاری کد ۴۶۱۵، در پاکت «الف» قرار داده و تا **ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۹** ضمن تحویل به دبیرخانه شهرداری گرمدره از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت نیز بارگذاری نماید.

تحویل به دبیرخانه شهرداری گرمدره از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت نیز بارگزاری نماید.

- به استناد بند۵ ماده ۵ آئین‌نامه مالی شهرداری‌ها، شهرداری در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار است.

- تشکیل کمیسیون عالی معاملات شهرداری گرمدره و بازگشایی پاکت‌های پیشنهادات قیمت تاریخ **۱۴۰۰/۱۲/۱۹** از **ساعت ۱۴** می‌باشد.

- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به معاملات در اسناد مناقصات درج گردیده است. کلیه هزینه‌های آگهی به عهده برنده مناقصات مذکور می‌باشد.

شهرداری گرمدره

آگهی مزایده عمومی

شهرداری گرمدره در نظر دارد نسبت به اجرای پروژه با مشخصات ذیل از طریق پیمانکاران واجد صلاحیت اقدام نماید:

نوع و میزان خدمات یا کالا	سالیانه به ارزش	تضمین شرکت در مزایده (ریال)	مدت
مزایده عمومی واگذاری جمع‌آوری پسماند خشک	۳۹۵/۶۴۰/۰۰۰	۱۹/۷۸۲/۰۰۰	۱۲ ماه

-مهلت و قبول و محل پیشنهادات (اسناد مزایده):متقاضیان پیشنهاد می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی (۱۴۰۰/۱۲/۰۵) تا تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۹ **ساعت ۱۲** جهت دریافت اسناد مزایده به سامانه تدارکات الکترونیک دولت(ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** مراجعه نمایند.

- متقاضیان پیشنهاد(مزایده گر) می‌بایست سپرده مذکور را به صورت ضمانتنامه بانکی یا فیش واریزی به حساب جاری شماره **۴۶۱۵۰۴۳۰۹۳۷۶۰۲۵۰۰۲** به نام شهرداری گرمدره نزد بانک سپه (انصار سابق) شعبه شهید غفاری کد ۴۶۱۵، در پاکت «الف» قرار داده و تا **ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۹** ضمن تحویل به دبیرخانه شهرداری گرمدره از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت نیز بارگذاری نماید.

- به استناد بند۵ ماده ۵ آئین نامه مالی شهرداری‌ها، شهرداری در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار است.

- تشکیل کمیسیون عالی معاملات شهرداری گرمدره و بازگشایی پاکت‌های پیشنهادات قیمت تاریخ **۱۴۰۰/۱۲/۱۹** از **ساعت ۱۷** می‌باشد.

- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به معاملات در اسناد مزایده درج گردیده است. کلیه هزینه‌های آگهی به عهده برنده مزایده مذکور می‌باشد.

شهرداری گرمدره